

## بررسی تحولات سیاسی داخلی حکومت ساسانیان

### با تکیه بر نقش برجسته‌ها و کتیبه‌ها

پروین علم‌الهدایی<sup>۱</sup>

#### چکیده

ساسانیان نزدیک به چهارصد سال در ایران حکمرانی کردند. آنها نیز مانند دیگر فرمانروایان دنیای باستان، مایل بودند چهره خود را ماندگار کنند. بر این اساس در این دوره نیز نقش برجسته‌ها و کتیبه‌های زیادی از پادشاهان این حکومت بر جای مانده است که نشان از اهمیت و توجه ویژه این دولت بر خلق آثار جاودانه از خود می‌باشد. این نقوش برجسته‌ها و کتیبه‌ها مختلف و متنوعی که بر صخره‌ها و کوه‌ها کنده کاری شده از دو بعد قابل اهمیت می‌باشد؛ یکی بعد هنری که نشان از شاهکار حجاری آن دوره می‌باشد و دیگری بعد سیاسی آن که حاکی از تحولات سیاسی-تاریخی ساسانیان است. بر این اساس این پژوهش به دنبال بررسی رویدادهای سیاسی داخلی ساسانیان با تکیه بر نقش برجسته‌ها و کتیبه‌های این دوره می‌باشد.

یافته‌های پژوهش حاکی از آن است، با درک اهمیت و جایگاه نقش برجسته‌ها و کتیبه‌های دوره ساسانی، می‌توان تحولات اندیشه و مسائل فکری داخلی، فعالیت سازمان‌های دینی و حس زیبایی شناسانه جامعه ایران را در ادوار مختلف تاریخی شناخت، چگونگی آنها را در سیری تاریخی مشخص کرد و اهداف سیاسی و دینی آن را نشان داد. همچنین این آثار نشان از وقایع و حوادث مهم تاریخی از جمله درگیری‌های داخلی بین شاهزادگان و تحولات مذهبی در دولت ساسانیان می‌باشد.

**واژگان کلیدی:** حکومت ساسانیان، سنگ نوشته و کتیبه‌ها، تحولات سیاسی داخلی.

---

۱. کارشناسی ارشد تاریخ ایران باستان دانشگاه آزاد اسلامی واحد داراب

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۲/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۸/۱۸

یکی از منابع هم تاریخ ساسانی، سنگ نگاره‌هایی است که از این دوره باقی مانده است. سنگ نگاره‌های ساسانی که از منابع دست اول این دوره به شمار می‌روند، نمایشگر موضوعات مذهبی همچون اعطای مقام پادشاهی از سوی اهورا مزدا و نیز موضوعات غیر مذهبی مانند صحنه‌های نبرد هستند و در بسیاری موارد مکمل منابع مکتوب بوده و گاه پرتویی بر زوایای تاریک تاریخ ساسانی افکنده و پرده از وقایع این دوران بر می‌دارد. (لوکونین، ۱۳۷۲: ۲۸)

شاهان ساسانی علاقه مند بودند که وقایع مهم دوران سلطنت خویش را مانند غلبه بر دشمن، رسیدن به مقام سلطنت، تاجگذاری و نمایش شکوه و عظمت دربار خویش را بر سینه کوه‌های ایران زمین بویژه سرزمین پارس که مرکز قدرتشان بود را نقش کنند. بیشتر این نقش‌ها، کتیبه‌هایی هم دارد که عمدتاً از اردشیر اول و شاپور اول ساسانی است اما برخی هم کتیبه ندارند. کتیبه‌های سرزمین پارس بیشتر جنبه‌های مذهبی و سمبولیک را داراست، در حالی که نقوش و کتیبه‌های طاق بستان کمتر دارای جنبه‌های مذهبی و بیشتر به مسائل خصوصی و درباری و شکوه عظمت آن می‌پردازد، ولی به طور کلی می‌توان دریافت که چون شاهان ساسانی عقیده داشتند که سلطنت موهبتی است که اهورا مزدا به ایشان بخشیده است این معنی را در بیشتر کتیبه‌ها و نقش برجسته‌ها ظاهر نموده‌اند. به هر حال هدف این پژوهش بررسی تحولات سیاسی داخلی حکومت ساسانیان با تکیه بر سنگ نوشته‌ها و کتیبه‌ها می‌باشد.



## پیشینه

بشر از دیرباز به جاودان ساختن خواست‌ها، باورها و اندیشه‌های خود در قالب نقاشی، کنده کاری، سنگ تراشی و حجاری، ساخت تندیس‌ها، سنگ نوشته‌ها و ... پرداخته است. یکی از هنرهای ارزشمند سرزمین کهنسال ایران که سابقه‌ای بسیار طولانی دارد، هنر حجاری بر سینه کوه‌ها و صخره‌هاست. هنر حجاری یکی از سنت‌های خاور نزدیک باستان است که بی‌گمان منشاء آن را باید در استل‌های<sup>۱</sup> بین‌النهرین، در آغاز دوره تاریخی سلسله‌های نخستین (۲۴۰۰-۲۸۰۰ ق.م) پیدا کرد. از دوره اكد (۲۱۵۴-۲۳۳۴ ق.م) بود که این استل‌های یادبود به اندازه‌های بزرگ و با عظمت رسیدند و گویا نخستین پیکره‌های صخره‌ای بزرگ را به تقلید از آن‌ها کنده بودند. (جوادی، آور زمانی، ۱۳۸۸: ۱۸).

در ایران باستان دیواره صخره و کوه‌ها، جلوگاه دیرین هنر حجاری بوده و یادمان‌های صخره‌ای فراوانی از دوران‌های تاریخی ایران به یادگار مانده است. نقش برجسته‌های ایرانی، بجز تعداد معدودی که در کوه‌های البرز واقع شده‌اند، بیشتر در سینه کش غربی و جنوب غربی رشته کوه زاگرس، و به ویژه در استان‌های آذربایجان غربی، کردستان، کرمانشاه، ایلام، چهارمحال و بختیاری، فارس و خوزستان پراکنده‌اند.

نقش برجسته‌ها و کتیبه‌ها از مستندات مهم باستان‌شناسی محسوب می‌شوند و اطلاعات فراوانی در خود دارند. آن‌ها دربر دارنده تکنیک‌های حجاری، بازگو کننده ظرایف و دقایق هنری هر دوره و تبلوری از اوضاع سیاسی مذهبی و اجتماعی هستند. سنت ساخت نقش برجسته صخره‌ای که از دوره لولوبی (اواخر هزاره سوم ق.م تا هزاره اول ق.م) آغاز شده بود، در دوران ایلام (اوایل هزاره سوم ق.م تا سده هفتم ق.م) هخامنشی (۳۳۰-۵۵۰ ق.م) و اشکانی (۲۳۸ ق.م تا ۲۴۴ م.) ادامه یافت و با توجه به سنت طولانی این نوع هنر، در دوره ساسانی (۶۵۱-۲۲۴ م.) به اوج شکوفایی

و پیشرفت رسید. در دوران اسلامی پس از یک وقفه طولانی فترت، در دوره قاجاریه حیات هنری نقش برجسته‌های صخره‌ای تجدید می‌شود.

ایجاد نقش برجسته‌ها و کتیبه‌های صخره‌ای یکی از سنت‌های خاور نزدیک باستان است که حاکمان وقت برای جاودان ساختن خواست‌ها و اندیشه‌های خود از آن بهره برده‌اند. این یادمان‌های ارزنده تاریخی نه فقط اطلاعات گرانبها در خصوص سبک-های هنری آن زمان در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهند، بلکه داده‌های ارزشمندی هستند که می‌توان به کمک آن‌ها حوادث تاریخی، اوضاع سیاسی، مذهبی و نظام‌های اجتماعی آن زمان را بازسازی کرد.

نقش برجسته‌ها در حقیقت برگ‌هایی از کتاب مصور تاریخ فرهنگ، هنر و سیاست ایران هستند که در پس آن، اندیشه‌های فراوانی نهفته و تا امروز تمام مفاهیم آن‌ها به درستی آشکار نشده است. نقش برجسته‌ها و کتیبه‌ها در تحقیقات و مطالعات ایرانی از اهمیت بسیاری برخوردار است. شناخت و تفسیر صحنه‌های نقش برجسته‌ها، همواره از موضوعات مورد بحث محققان بوده و از جنبه‌های مختلفی مطالعه و تحقیق شده است.

خاندان ساسانی آخرین سلسله حاکم بر ایران در دوره باستان به شمار می‌آید. از دوران حکومت این خاندان که بیش از چهار قرن بر این سرزمین حکم راندند، یادگارهای هنری متعددی باقی مانده است؛ آثاری که به عنوان ابزار دست باستان شناسان و مورخان شرق و غرب برای شناخت هرچه بهتر تاریخ این دودمان می‌باشد. اما از میان این آثار نقش برجسته‌ها و کتیبه‌ها جایگاه ویژه‌ای دارند. نقش‌هایی که هنرمندان آن زمان به دستور شاهان بر صخره‌ها و سنگ‌ها کرده‌اند، قابل رویت‌ترین سند هنر ساسانیان محسوب می‌شوند. پیشینه برآوردن کتیبه‌ها و نقش برجسته‌ها در ایران به هزاره سوم قبل از میلاد بر می‌گردد. با این حال این هنر در دوران ساسانیان



حداقل از نظر کمیت بسیار قابل توجه است که می‌توان سراغ بیشتر این آثار را در گاهواره خاندان ساسانی یعنی ناحیه فارس گرفت.

### نقش برجسته‌های دوره ساسانی

در بین پادشاهان ساسانی تعداد و تعدد نقش برجسته‌های و کتیبه‌ها برجای مانده تفاوت فراوان دارد. پادشاهان نخست این سلسله در زمان پادشاهی خود تمایل بیشتری برای طرح قدرت با ایجاد نقش برجسته در زمینه‌های مختلف نشان می‌دادند. این مسأله در تاجگذاری‌ها، جشن‌ها، پیروزی بر دشمنان به مراتب بیش از سایر وقایع دیگر خود را نشان داده است. بی‌گمان بنیان‌گذار این سلسله از همان ابتدا قدرت‌گیری به ارائه طرحی جاودانه از طریق نقش برجسته پی برد. (لوکونین، ۱۳۷۲: ۲۸) در این مبحث به شرح جزئیات نقش برجسته‌ها به ترتیب تقدم و تأخر پادشاهان ساسانی و تحولات سیاسی داخلی آن دوره پرداخته می‌شود.

### اردشیر اول

نقش برجسته اردشیر اول در فیروز آباد فارس نمایانگر مهم‌ترین اتفاق تاریخی در آغاز دوره ساسانی است. اردشیر اول با شکست اردوان پنجم سلسله اشکانی را بر انداخت و سلسله جدیدی را پایه‌گذاری کرد. وی پیروزی خود بر اردوان اشکانی را در این نقش برجسته حجاری کرده است. (سامی، ۱۳۴۲: ۲۸)

علاوه بر آن، این رخداد تاریخی در نقش برجسته اردشیر بابکان در نقش رستم نیز نمایانده شده است. مؤسس سلسله ساسانی علاوه بر روایت جنگ در نقش برجسته‌های خود برای کسب مشروعیت و وحدت دینی تلاش وافر انجام داد و نقش برجسته‌های نقش رجب و نقش رستم و همچنین کتیبه اردشیر بابکان و اهورمزد در نقش رستم نشان از پافشاری وی در این تمرکز دینی بوده است. (واندنگ، ۱۳۴۸:

۲۴؛ سامی، ۱۳۴۲: ۵۸-۶۶)

در سال ۲۳۸ م خسرو اول به عنوان پادشاه ارامنه از طرف اردشیر بابکان انتخاب شد. روایت این واقعه تاریخی زمان اردشیر اول را نیز در نقش برجسته سلماس آذربایجان مشاهده می‌کنیم. (واندنبرگ، ۱۳۴۸؛ ۱۱۸-۱۱۹)

### بهرام اول

در زمان بهرام اول، نرسی، پسر سوم شاپور نیز مدعی تاج و تخت بود. این موضوع در نقش برجسته بهرام اول در بیشابور فارس و در مراسم تاجگذاری وی بازتاب یافته است. (سرفراز، بی تا، ۲۰-۱۸)

در زیر پای اسب بهرام اول تصویر جوانی که بر رو افتاده دیده می‌شود، این نقش تصویر بهرام سوم است که بعدها به فرمان نرسی بدین گونه به تصویر کشیده شده و برخلاف سایر نقش‌های ترکیبی نقش اهریمن در زیر پای اسب اهورامزدا دیده نمی‌شود. برای روشن شدن موضوع کمی به عقب بر می‌گردیم. پس از مرگ هرمز اول دو فرزند دیگر شاپور یعنی بهرام و نرسی مدعی سلطنت بودند، بهرام فرمانروای گیلان بود که از لحاظ سیاسی و اقتصادی در آن دوره اهمیتی چندانی نداشت، بر عکس نرسی فرمانروای سکستان، تورستان و هند یعنی بخش مهمی از سرزمین‌های تصرف شده در شرق کشور بود و لقب «آریایی مزداپروست» به او اهدا شده و بیش از بهرام مستحق پادشاهی بود، اما بهرام به حمایت و اعمال نفوذ موبد بزرگ کرتیر، جایگاه نرسی را غصب و به سلطنت رسید، در سال ۳۷۷ میلادی پس مرگ بهرام اول پسرش بهرام دوم که جوانی بی‌تجربه بود، توسط کرتیر به قدرت رسید و نرسی برای بار دوم از حق و حقوق خود محروم شد. در سال ۳۹۳ م بهرام دوم زدگی را به درود گفت و پسر جوان او بهرام سوم توسط کرتیر بر تخت سلطنت نشست؛ اما این بار نرسی و طرفدارانش که خود را از قبل برای مقابله با بهرام آماده کرده بودند، بهرام سوم را شکست دادند و نرسی به پادشاهی رسید و این به معنی پایان یافتن قدرت



کرتیر و سایر طرفداران بهرام بود. به طور کلی نمودار هنر ساسانی در نقش برجسته‌ها عبارت از تصویر شاهان و ایزدان بزرگ و حامی آن‌ها و تصاویر ولیعهد، درباریان و بزرگان و دشمنان شاهان که در زیر پا یا سم اسب آنها لگدکوب شده است می‌باشد. نقش مذکور دارای سه عنصر اصلی شاه، ایزد حامی فرمانروا و دشمن مغلوب می‌باشد، مسلماً نرسی پس از پیروزی بر بهرام سوم و احتمالاً کشتن او با اقدامی شتاب زده با افزودن کتیبه و نقش شاه مغلوب به نقش برجسته تاج‌گیری بهرام اول از اهورامزدا موضوع آن را دگرگون و به نفع خود تغییر داده است. در اینجا نرسی خود را جانشین بلافصل پدر و نیای خود اردشیر معرفی می‌نماید. به خاطر بدست آوردن شهریاری ایران، مدد خواستن از اعتبار بنیان‌گذار سلسله امری منطقی و طبیعی به نظر می‌رسد. در سکه‌های بهرام دوم، تصویر بهرام سوم همراه با ملکه دیده می‌شود. تصویر بهرام سوم در سکه‌ها کاملاً شبیه نقش او در این نقش برجسته می‌باشد و چنین به نظر می‌رسد که همه عوامل مذکور موجد وحدت این دو نقش و معرف «بهرام سوم» پادشاه مغلوب می‌باشد. (جوادی و آور زمانی، ۱۳۸۸: ۱۶۶)

### بهرام دوم

موضوع مدعی پادشاهی بودن نرسی در نقش برجسته دیگری از بهرام دوم در نقش رستم فارس به نوعی به نمایش درآمده است. آخرین نفر نیز از خانواده سلطنتی است که مسن‌تر از دیگران به نظر می‌رسد، این فرد، نرسی عموی بهرام است، دلیل این مدعا کلاهی است که بر سر دارد و پس از رسیدن به سلطنت تصویر او با این کلاه بر روی بعضی از سکه‌ها دیده می‌شود. با وجودی که نرسی مخالف بهرام دوم بود و او و پدرش را غاصب تخت سلطنت می‌دانست اما در جمع خانواده بهرام نقش گردیده، احتمالاً این عمل به خاطر دلجویی از او انجام گرفته است. در پشت سر بهرام سه تن از بزرگان قرار دارند که از خانواده سلطنتی نیستند زیرا دست راست را

به علامت احترام در مقابل صورت گرفته و انگشت سبابه را به جلو خم نموده‌اند، قابل ذکر است که کرتیر موبد بزرگ با نفوذ فوق‌العاده‌ای که بر بهرام داشت، به صورت یکی از افراد خانواده سلطنتی در نقش‌ها نموده شده است. (موسوی حاجی، ۱۳۷۴، ۱۴) در نقش برجسته بهرام در سرمشهد نیز او در بین اعضای خانواده سلطنتی دیده می‌شود. (جوادی، ۱۳۸۵: ۹۹؛ سامی، ۱۳۴۲: ۲۸)

### نرسی

تنها نقش برجسته نرسی در نقش رستم قرار دارد. او نماد قدرت را در این نقش برجسته از آن‌هایتا دریافت می‌کند. به این ترتیب او توانسته است قدرت کنترل معبد آن‌هایتای استخر را در زمان خود اختیار بگیرد. کتیبه پایکولی نرسی نیز شامل مقدمه‌ای در معرفی نرسه و نسب او و در پی آن حوادثی که پس از مرگ بهرام دوم اتفاق افتاده، حرکت نرسی از ارمنستان به ایران و ملاقات او با بزرگان ساسانی در پایکولی و سرانجام، صلح با روم است. (لوکونین، ۱۳۷۲: ۳۱۸)

کتیبه نرسی در بیشاپور نیز در اصل حاوی نام بهرام اول بوده و نقش او بر بالای آن قرار داشته است؛ اما بعداً برادر او نرسی نام خود را به جای بهرام نگاشته است. این کتیبه نشانگر نفرت نرسی از بهرام اول بوده است؛ چرا که وی را غاصب تاج و تخت خود می‌دانست. (گیرشمن، ۱۳۷۰: ۱۷۶).

### کتیبه‌های کرتیر

کرتیر یکی از موبدان برجسته و پرنفوذ عهد ساسانی بود. وی دوران شش پادشاه ساسانی را دید و در زمان شاپور اول عنوان هیرید داشت، (Zaehner, 1955, 51) در عهد هرمزد اول به عنوان «موبد اورمزد» ملقب شد و در دوره بهرام اول به قدرت و نفوذ بسیاری رسید، به طوری که توطئه قتل مانی را در این زمان به او نسبت می‌دهند. (عاصمی، بی‌تا: ۴۶؛ کریستن سن، ۱۳۸۵: ۴۳۳) سپس در دوره بهرام دوم کرتیر به





نهایت قدرت رسید و با مخالفین دین به مبارزه برخاست. (Beuner, 1974, p. 98- 205 113 Gignoux, 1972, 177- 205 113) و ضمن بنای آتشکده‌های متعدد به ایجاد موقوفات و تسهیلات بسیار برای برای روحانیون دست زد. (رجبی، ۱۳۶۴: ۴۳-۳۰؛ زکاء، ۷۳۷؛ ۱۰۵ ° 120 Chaumont, 1988) کرتیر در همان زمان به نگارش چهار کتیبه به زبان پهلوی پرداخت که در آن مشخصات، القاب و مناصب خود را ذکر کرده و سپس فعالیت‌ها و اصلاحات دینی و مبارزات مستمر خود را علیه ادیان دیگر مطرح نموده و در پایان معراج خود را شرح داده است. (خانلری، ۱۳۶۹: ۱۲۷) بنابراین متن کتیبه‌های چهارگانه کرتیر در شناسایی اوضاع دینی و اجتماعی دوره ساسانی اهمیت فراوان دارد. (تفضلی، ۱۳۷۶: ۸۷).

در کتیبه کعبه زرتشت، کرتیر پس از ذکر نام و القاب و عناوین خود، فعالیت‌های دینی و مبارزه علیه ادیان دیگر (مسیحیت، مانوی و یهود) و تأسیس آتشکده‌ها و ایجاد موقوفات بیان می‌شود. (طبری، ۱۳۴۸: ۱۰۷؛ ریپکا، ۱۳۵۴: ۵۹) فهرست ایالاتی که در زمان شاپور اول به تصرف ایران درآمده در پایان این کتیبه نقل شده است. (جعفری دهقی، ۱۳۸۲: ۲۲۳) به طور کلی کتیبه‌های کرتیر و مهر نرسی نشان از قدرت زیاد این دو شخص در زمان ساسانیان دارد.

### هرمزد دوم

در نقش برجسته هرمزد دوم در نقش رستم، هم‌اورد او یکی از شاهزادگان ساسانی است، زیرا یکی از نشانه‌های خاندان ساسانی بر کلاه او نقش شده است. تصویر این شخص در ظرف نقره‌ای که در موزه شهر سوخوم<sup>۲</sup> نگهداری می‌شود در حال شکار به تصویر کشیده شده در حالی که همین نشان خانوادگی را بر کلاه خود دارد. هیتس معتقد است که این شخصیت ساسانی پاپک حکمران گرجستان است که در زمان بهرام دوم به مرتبه بلند بیدخشی (نایب السلطنه) ارتقاء یافت، اما پس از مرگ بهرام

دوم از جانشین تاج و تخت یعنی بهرام سوم حمایت نکرد؛ بلکه اسباب به قدرت رسیدن نرسی را فراهم آورد که سنگ نوشته نرسی در پایکولی این مطلب را تأیید می‌کند، بدین ترتیب بیدخش در زمان حکومت نرسی پایه‌های قدرت خود را استوارتر نمود اما هنگامی که در سال ۳۰۲م هر مزد دوم پسر نرسی بر تخت پدر تکیه زد، اختلافات او با پاپک بر سر قدرت بالا گرفت و او پاپک را از اریکه قدرت به زیر آورده و احتمالاً او را مقتول ساخت. این رویداد تاریخی در این نگاره به صورت یک نبرد سهمگین به تصویر کشیده شده است. (هیئتس، ۱۳۸۵: ۲۶۵).

### بهرام چهارم

در نقش برجسته بهرام چهارم در نقش رستم، وی در حال پیکار با دشمن است. بر اساس نوشته‌های تاریخی دوران بهرام چهارم، دوران پرآشوبی بود که دشمنان و مدعیان سلطنت علیه او توطئه می‌کردند و بالاخره او را در شکارگاه به قتل رساندند، مسلماً نقش برجسته نقش رستم منعکس کننده برخی از این آشوب‌ها می‌باشد، اما هم‌اورد پادشاه در این نقش به سبب کمبود مدارک مورد شناسایی قرار نگرفته است. مه‌ری در موزه بریتانیا از بهرام چهارم نگهداری می‌شود که بهرام بر روی جسد دشمن ایستاده و نیزه خود را در پشت گردن او فرو برده، مشابه همین مهر در مجموعه فروغی دیده می‌شود. مسلماً این دشمن از نظر بهرام دارای اهمیت زیادی بود که تصویر غلبه بر او را در پشت مهرهای متعددی حک نموده است و به احتمال زیاد دشمنی که در سنگ نگاره نقش رستم در حال مبارزه با بهرام می‌باشد، همان فردی است که بر روی مهرها و نگین‌ها صحنه پیروزی بهرام بر او به نمایش درآمده است. (جوادی و آور زمانی، ۱۳۸۸: ۵۹).

در نقش برجسته دیگری از بهرام چهارم در همین مکان حریف در مقابل فرمانروای ساسانی به شدت مقاومت می‌کند. و با وجودی که توسط شهریار ساسانی از ناحیه



گردن مجروح شده اما برخلاف سایر نقوش مبارزه تن به تن هنوز نتیجه قطعی نبرد به روشنی مشخص نمی‌باشد. متأسفانه در اثر آسیب دیدن مشخصات هم‌اورد فرمانروا امکان شناسایی شخصیت مغلوب بسیار مشکل است. از آنجا که تاج فرمانروا شبیه تاج بهرام چهارم در سکه‌ها می‌باشد به احتمال زیاد این صحنه نبرد مانند نقش فوقانی آن متعلق به بهرام چهارم است.

### اردشیر دوم و نقش برجسته تاجگذاری او در طاق بستان

از روزگار فرمانروایی هرمزد دوم سنت پدید آوردن نقش تاجگذاری بر صخره‌ها شکسته شد، ولی اردشیر این سنت را دوباره احیا کرد و خواست که در این نقش به منظور هدفهای معین دودمانی، نقش فرمانروایی خویش را جاویدان ساخته و در معرض دید همگان قرار دهد.

هرتسفلد می‌نویسد که اردشیر دوم فرزند تبار ساسانی بوده است. معنی تبار آن است که وی فرزند شاه نیست بلکه فرزندی از خویشاوندان نزدیک وی بوده است، زیرا اگر اردشیر دوم فرزند هرمزد دوم بود آن هم فرزند ارشد، که در آن صورت بنا بر قانون خانواده در نظام ساسانی منصب شاهی بلادرنگ پس از هرمزد دوم به او می‌رسید. پس از شاپور دوم فرمانروایی به طور قانونی حق شاپور سوم فرزند او بود. اما اردشیر که با بیش از هفتاد سال سن بر تخت سلطنت تکیه می‌زند، مسلماً او با اعمال قدرت حق شاپور سوم را غصب نموده و به سلطنت رسید و برای موجه نمودن عمل خود این نقش را ایجاد کرد تا به مردم ایران و آیندگان چنین القا نماید که سلطنت به طور قانونی از سوی اهورامزدا و با تأیید ایزد مهر به او ارزانی شده، اما با تمام این ترفندها پس از مدتی از فرمانروایی خلع و شاپور سوم بر تخت سلطنت قرار گرفت. (همان، ۱۹۶).

### خسرو دوم نقش برجسته وی در طاق بستان کرمانشاه

علت پیدایش نقش تاج‌گیری خسرو پرویز از اهورامزدا و آناهیتا به طور همزمان در این سنگ نگاره که قبلاً سابقه نداشته است، از اینروست که آخرین شاه ساسانی به علت شرایط خاص سیاسی و اجتماعی می‌کوشد تا پایه‌های ضعیف قدرت خود را با تکیه بر اعتقادات مردم تثبیت کند. او اعتقاد چندانی به اهورامزدا و آناهیتا ندارد. یکی از همسرانش مسیحی است و خسرو پرویز از جانب مردم، اشراف و بزرگان متهم به بی‌دینی است. بنابراین به جهت عوام‌فریبی در نقش برجسته طاق بستان از اهورامزدا و آناهیتا حلقه شاهی را دریافت کرده و پایبندی خویش را به مقدسات مردم نشان می‌دهد.

او با درایت کامل تصویر آناهیتا را در مراسم تاج‌بخشی قرار داد تا از امنیت و اعتبار این ایزد بانو برای تحکیم قدرت معنوی خود سود جوید. آناهیتا الهه بلندپایه و ارجمندی که ساسانیان قبل از رسیدن به فرمانروایی و حکومت متولی و پرستار معبد او در شهر استخر بودند و به نوشته مورخین مراسم تاجگذاری اولین و آخرین پادشاه ساسانی در آنجا انجام گرفت. بدین گونه خسرو پرویز در طاق بستان به مردم ایران زمین آگاهی داده است که ایزدان را سپاس می‌گذارد و فرایندی و نشان شهریاری از جانب آنها به او اعطا گردیده و سزاوار هر گونه سروری و فرمانروایی است. با بررسی این نقش برجسته به این نکته پی می‌بریم که خسرو پرویز در این زمان با بحران عدم مشروعیت در جامعه مواجه بوده است. (جوادی، ۱۳۸۵: ۴۹-۶۱)

نقش برجسته ویستهم<sup>۳</sup>، در ری سوار جنگی را نشان می‌دهد که با سرعت در حال تاختن است و نیزه‌ای را در مقابل رقیب و مبارز خود که سر اسبش به صورت تصویری محو در روی سنگ دیده می‌شد، پایین آورده است. (جکسن، ۱۳۵۲: ۴۹۳-۴۹۲، ۴۱۳) این نقش برجسته را که در دوران ساسانی به طور ناتمام باقی مانده،

«کرپورتر» آنرا نقش اردشیر اول و سر ویلیام اوزلی آن را نقش شاپور اول و زنده یاد خانم ملک زاده بیانی این تصویر را متعلق به بهرام چوبین می‌دانند (همان، ۴۱۳)؛ اما با بررسی‌های دقیق و تطبیقی که انجام گرفت در مقایسه با سکه‌ها معلوم شد که این نقش مربوط به زمان خسرو دوم و متعلق به «ویستهم» دای خسرو دوم و یکی از مدعیان سلطنت است که به همکاری برادرش بندویه خسرو را به پادشاهی رساند، و چون خسرو بندوی را کشت و قصد جان گسته‌م کرد، بر وی یاغی شد. ویستهم از دولتمردان مقتدر ساسانی و از خاندان اسپندیاد بود. او علیه خسرو دوم قیام کرد و در مدتی طولانی بخش‌های وسیعی از سرزمین ایران را تحت تصرف و کنترل خود درآورد. قلمرو او در اوج قدرت شامل مناطق گیلان، مازندران، ری و نیشابور بود. او اقدام به ضرب سکه نمود و سکه‌های وی اغلب ضرب ری می‌باشند. قیام و تسلط او از سال ۵۹۱ م آغاز و با کشته شدن وی در سال ۵۹۶ میلادی به پایان رسید. (جوادی و آور زمانی، ۱۳۸۸: ۲۲) او نقش پیروزی خود بر خسرو را در یک نبرد تن به تن در آن سنگ‌نگاره به تصویر کشید که با کشته شدن او این نقش بصورت ناتمام باقی ماند. (جوادی و آور زمانی، ۱۳۸۸: ۹۲)

## نتیجه‌گیری

یکی از منابع مهم تاریخ ساسانی، سنگ نگاره‌هایی است که از این دوره باقی مانده است. سنگ نگاره‌های ساسانی که از منابع دست اول این دوره به شمار می‌روند، نمایشگر موضوعات مذهبی همچون اعطای مقام پادشاهی از سوی اهورامزدا و نیز موضوعات غیرمذهبی مانند صحنه‌های نبرد هستند و در بسیاری موارد مکمل منابع مکتوب بوده و گاه پرتویی بر زوایای تاریک تاریخ ساسانی افکنده و پرده از وقایع این دوران بر می‌دارد. همچنین این آثار از نظر مطالعه هنر، باورهای مذهبی، ایدئولوژی و اندیشه‌های سیاسی دوران ساسانی نیز حائز اهمیت فوق العاده‌ای است. شاهان ساسانی علاقه مند بودند که وقایع مهم دوران سلطنت خویش را مانند غلبه بر دشمن و رسیدن به مقام سلطنت و تاجگذاری و نمایش شکوه و عظمت دربار خویش را بر سینه کوههای ایران زمین بویژه سرزمین پارس نقش کنند. کتیبه‌های سرزمین پارس بیشتر جنبه های مذهبی و سمبولیک را داراست در حالی که نقوش و کتیبه‌های طاق بستان کمتر دارای جنبه های مذهبی و بیشتر به مسائل خصوصی و درباری و شکوه عظمت آن می‌پردازد ولی به طور کلی می‌توان دریافت که چون شاهان ساسانی عقیده داشتند که سلطنت موهبتی است که اهورامزدا به ایشان بخشیده است این معنی را در بیشتر کتیبه‌ها و نقش برجسته‌ها ظاهر نموده‌اند. بنابراین سنگ نگاره‌های دوران ساسانی از منابع و مأخذ مهم هنر و فرهنگ ساسانی به شمار می‌روند. سنگ نگاره‌ها و کتیبه‌ها ضمن وحدت موضوع، هر یک از ویژگی‌های خاصی برخوردار هستند. ویژگی نقش برجسته‌های ساسانی در آن است که بر هریک از این نقوش نه تنها رویدادهای تاریخی تصویر شده بلکه عظمت فرمانروا، سیاست، آیین و باورهای خاص به شیوه نمادین به شکلی گویا بیان و مجسم شده است.



لذا می‌توان چنین اذعان نمود که، نقش برجسته‌ها و کتیبه‌های ساسانی بخشی از آگاهی ما را به دوران‌های تاریخی ایران تشکیل می‌دهد. لذا در پرتو چنین شناختی است که می‌توان به تحلیل تاریخی اوضاع هنری، سیاسی و مذهبی جامعه ایران ساسانی پرداخت و مناسبات حاکم بر جامعه را مشاهده و ارزیابی نمود. این مسئله زمانی اهمیت می‌یابد که در نظر آوریم در ایران انتقال دانش و معرفت بیشتر بر نقل شفاهی استوار بود. در نتیجه منابع مکتوب درباره تاریخ ایران قبل از اسلام اندک و پراکنده است. بنابراین با درک اهمیت و جایگاه نقوش برجسته صخره‌ای دوره ساسانی، می‌توان تحولات سیاسی داخلی، فکری، فعالیت سازمان‌های دینی و حس زیبایی‌شناسانه جامعه ایران را در ادوار مختلف تاریخی شناخت، چگونگی آنها را در سیری تاریخی مشخص کرد و اهداف سیاسی و دینی آن را نشان داد.

#### پی‌نوشت‌ها

<sup>۱</sup>. Estel.

<sup>۲</sup>. این شهر در منطقه قفقاز واقع است.

<sup>۳</sup>. Vistahm.

#### منابع

تفضلی، احمد (۱۳۷۶). تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، تهران: بی‌نا.

جعفری دهقی، محمود (۱۳۸۲). بازشناسی منابع و مأخذ تاریخ ایران باستان از ورود آریائیها تا سقوط ساسانیان، تهران: سمت.

جکسن، ویلیامز آبرهام (۱۳۵۲). سفرنامه؛ ایران در گذشته و حال، ترجمه منوچهر امیری و فریدون بدره‌ای، تهران: خوارزمی.

جوادی، شهره (۱۳۸۵). «سنگ نگاره خسرو پرویز در تاق بستان»، فصلنامه باغ نظر، ش ۶.

\_\_\_\_\_، آور زمانی، فریدون (۱۳۸۸). سنگ نگاره‌های ساسانی، تهران: بلخ.

رجبی، پرویز (۱۳۶۴). «کرتیر و سنگ نبشته‌های او»، مجله بررسی‌های تاریخی، شماره مخصوص سال ششم.

ریپکا، یان (۱۳۵۴). تاریخ ادبیات ایران، ترجمه عیسی شهابی، تهران: بنگاه نشر و ترجمه کتاب.

زکاء، یحیی (۱۳۶۴). «تندیسه مفرغی کرتیر»، مجله آینده، سال دوازدهم، ش ۱۲ و ۱۳.

سامی، علی (۱۳۴۲). تمدن ساسانی، ج ۱، شیراز: چاپخانه موسوی، بی نا.

سرفراز، علی اکبر (بی تا). راهنمای آثار باستانی، بیشاپور، شیراز: بی نا.

طبری، احسان (۱۳۴۸). برخی بررسیها درباره جهان بینی‌ها و جنبش‌های اجتماعی در ایران، بی جا: بی نا.

عاصمی، محمد (۱۳۵۰). «کرتیر و صورت او در نقش برجسته‌های ساسانی»، مجله کاوه، ج ۹، ش ۴.

کریستن سن، آرتور (۱۳۸۵). ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، تهران: صدای معاصر.

گیرشمن، رمان (۱۳۷۰). هنر ایران در دوران پارت و ساسانی، ترجمه بهرام فره‌وشی، تهران: علمی و فرهنگی، چ ۲.





لوکونین، ویلادیمیر گریگوریوچ (۱۳۷۲). تمدن ایران ساسانی، ترجمه عنایت الله رضا، تهران: علمی فرهنگی.

مصطفوی، سید محمد تقی (۱۳۴۳). «نقوش ساسانی در فارس»، انجمن فرهنگ ایران باستان، ش ۳، دوره اول.

موسوی حاجی، رسول (۱۳۷۴). پژوهشی در نقش برجسته‌های ساسانی، پایان نامه کارشناسی ارشد گروه باستان شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.

واندنبگ، لوئی (۱۳۴۸). باستان شناسی ایران باستان، ترجمه عیسی بهنام، تهران: دانشگاه تهران.

هینتس، والتر (۱۳۸۵). یافته‌های تازه از ایران باستان، ترجمه پرویز رجبی، تهران: ققنوس.

Beuner, (1974). **The Middle Persian inscription of the priest Kirder at Naqshi Rostam**, Studies in Honour of G.Miles, Beirut.

Chaumont, M. L. (1988). **La Christianisation de l'empire Iranien**, Lovani, Herrmann, Georigina.

"**The Rock Reliefs of Sasanian Iran**", in Mesopotamia and Iran the Parthian and Sasanian Periods Rejection and Revival C.238BC-AD642, Edited by John Curtis, British Museum Press.

ph. Gignoux I, (1972). **inscription de Kirder a Naqshi Rostam**, Studica, 1, 2.

Zaehner, (1955). **Zurvan a Zoroastria dilemma**, London, Oxford, at the cparendon.